

اخلاق و اقتصاد

نظریه ی «هماهنگی منافع فردی و جمعی» که پایه اساسی اقتصاد سیاسی کلاسیک را تشکیل می دهد، درحقیقت علاوه برتوجیه اقتصادی یعنی «ثروت ملل» و «رفاه مادی» ناظر برنتایج سیاسی واجتماعی نیزهست.

تایید مالدوستی و نفع شخصی نزد متفکرین جدید، به معنی کنارنهادن اصول اخلاقی سنتی نبود. بلکه به منظور مهارکردن انفعالات نفسانی ویرانگروجامعه ستیزبود. چون جستجوی نفع شخصی به لحاظ اجتماعی مفید و به لحاظ اخلاقی خنثی یا بی ضررتشخیص داده می شد به تدریج مورد تایید قرارمی گرفت.

آدام اسمیت، کسی که درپایه ریزی علم اقتصاد بیش ازهمه نقش دارد، درکتاب معروف خود («ثروت ملل») نشان می دهد که ثروتمند شدن جامعه تنها درسایه ثروتمند شدن افراد وجستجوی نفع شخصی امکان پذیراست. درسیستم اقتصادی آدام اسمیت که آن را «سیستم آزادی طبیعی» نام می نهد، جستجوی نفع شخصی به «خیرعمومی» (ثروتمند شدن ملت یا جامعه) می انجامد. لذا می توان گفت رفتارسود جویانه ومبتنی برنفع شخصی، ازلحاظ اقتصادی توجیه اخلاقی پیدا می کند. باید توجه کرد این توجیه اقتصادی که آن را نزد جان لاک نیزمی توان سراغ گرفت، تنها اساس وپایه توجیه اخلاقی رفتارمبتنی برنفع خصوصی نیست. بلکه نتایج سیاسی واجتماعی این رفتاربرای برقراری جامعه مدنی وصلح وآرامش بین انسان ها نیزهمان قدراهمیت دارد. به عبارت دیگر، اقتصاد علاوه بررفاه مادی، کارکرد سیاسی واجتماعی اساسی دارد.

درجوامع توسعه نیافته، ازجمله درکشورما، رابطه بین اخلاق و اقتصاد به معضل بسیارپیچیده تری تبدیل شده است. ساختار سنتی تولید وروابط عینی اقتصادی-اجتماعی دگرگون شده، اما ارزش های سنتی نتوانسته است هیچ راه حلی برای سازگاری خود دراین وضع جدید پیدا کند. این است که واقعیات، بیش ازپیش درتضاد با ارزش ها قرارمی گیرد. تداوم وتعمیق این تضاد ممکن است نتایج اسفبارو غیرقابل پیش بینی داشته باشد.

برای ازمیان برداشتن این مشکل، دوره حل می توان تصورکرد: یکی سازگارکردن واقعیات با دستورات اخلاقی وارزش های سنتی ودیگری، سازگارکردن این ارزش ها با واقعیات اساسی. کوشش هایی که تا کنون برای اصلاح وتغییردرعلم اقتصاد وازاین طریق ایجاد تغییردرواقعیات اقتصادی به منظور تطبیق آن ها با ارزش های سنتی صورت گرفته، نشان دهنده یک مشکل معرفتی بزرگ وسوتفاهم ریشه ای دردردک موقعیت وچگونگی این علم است.

باید توجه کرد که علم اقتصاد محصول یک شیوه تعقلی جدید وویژه است که هیچ جایگاهی درنظام تعقلی اندیشه سنتی نمی تواند داشته باشد. درشیوه تعقلی جدید، نقطه آغاز، دستورات وارزش های اخلاقی نیست. بلکه خودواقعیات است.

علوم اجتماعی جدید، ازجمله علم اقتصاد، با تفکر دربارہ انسان به صورتی که هست به وجود آمده واطلاق علم به این نظام ها ی فکری نیزبه همین لحاظ است. شیوه تفکر جدید منتهی به تفسیری

نوازش های اخلاقی سنتی شد و به این ترتیب نظام ارزشی و در نتیجه قواعد رفتاری انسان جدید را متحول ساخت. این تغییر و تحول در جهت سازگاری و تطبیق ارزش ها با واقعیات سیر کرد. آن گونه که در نهایت نظام یک پارچه و جدیدی پدید آمد، که به آن جامعه مدرن می توان اطلاق کرد.

علم اقتصاد در صدد توضیح و تجزیه و تحلیل واقعیات مربوط به نظم اجتماعی ویژه ای است که در سایه قواعد رفتاری خاص این جامعه مدرن پدید آمده است. از این رومی توان گفت که اصلاح و تغییر علم برای تطبیق آن با ارزش های سنتی، حرکتی کاملاً وارونه است. بر مبنای دستورات اخلاقی (باید، شاید) نمی توان علم بنا کرد.

علم، توضیح نظری واقعیات (آن چه هست) است. این تصور که با تسلط بر ابزار تئوریک علم اقتصاد، می توان ارزش های سنتی را به شکل اولیه و دست نخورده، به عنوان اهداف اجتماعی و سیاسی تحقق بخشید، توهمی بیش نیست. چرا که سعی در تحقق این اهداف، قواعد رفتاری خاصی را، که ابزار تئوریک علمی بر پایه آن ها بنا شده است در هم می ریزد و به این ترتیب، اساس هستی شناسانه علم اقتصاد از بین می رود.

علم اقتصاد از این اصل اولیه آغاز می کند که در یک جامعه بزرگ، دستورات اخلاقی نمی تواند تنظیم کننده رفتار اجتماعی افراد و ایجاد کننده نظم قابل پیش بینی باشد. حال آن که با اصل قراردادن رفتار مبتنی بر نفع شخصی، رفتار اجتماعی افراد، نظم معین و قابل پیش بینی پیدا می کند. مضمون علم اقتصاد در واقع توضیح چگونگی پیدایش، ساختار و عملکرد این نظم است. بنا بر این هر کوششی که به قصد اصلاح علم اقتصاد، بخواهد دستورات اخلاقی را اصل رفتاری انسان ها قرار دهد، در واقع علم اقتصاد را اصلاح نمی کند، بلکه آن را از ریشه نفی می کند. واضح است که چنین کوشش ها بی، به دلیل اشکال اساسی متدولوژیک و معرفتی پیش گفته، هیچ گاه به لحاظ نتایج علمی راه به جایی نمی برد و پیوسته دچار تناقضات غیر قابل حل می شود. اما نتایج عملی این «اصلاح علمی» بسیار اسفناک تر است. ارزش ها و هدف های اقتصادی اعلام شده، چون در تضاد با واقعیات است، هیچ گاه تحقق نمی یابد، در نتیجه بین ارزش ها و واقعیات اقتصادی، دوگانگی به وجود می آید.

در چنین وضعی با فشاری بر اصول اخلاقی، به دلیل این که فاصله بین حرف و عمل را گسترده ترمی سازد، قدر و منزلت آن را در جامعه مخدوش و زندگی اقتصادی را بیش از پیش از اخلاقیات تهی می سازد. به این ترتیب، ظاهر سازی تبدیل به قاعده رفتاری عام شده و امکان برقراری یک نظم اجتماعی منسجم و قابل پیش بینی، غیر ممکن شده و دستگاه اقتصادی فلج می شود. به دیگر بیان، از یک سوم مجموعه ارزش های سنتی و اخلاقی لطمه می بیند و از سوی دیگر، بازدهی اقتصادی از دست می رود.

مفاهیم «خوب و بد» و «درست و نادرست» در رفتار انسانی، موضوعات اصلی بحث اخلاق هستند و شاید بتوان گفت که هدف نهایی آن - به ویژه در تفکر مدرن - ایجاد یک جامعه صلح آمیز و متشکل از انسان های آزاد است. اهمیت بحث اخلاق در ارتباط با اقتصاد، مشخصاً در دستیابی به چنین جامعه ای است. شرط لازم هرگونه پیشرفت مداوم اقتصادی، برخورداری جامعه از صلح و آرامش و نیز فعالیت ها و ابتکارات آزادانه فردی است. هیچ جامعه ای بدون دست یافتن به حداقل راه حل در خصوص مسایل اخلاقی نمی تواند به اقتصادی با پیشرفت پایدار - یا آن چه اصطلاحاً توسعه اقتصادی گفته می شود - دست یابد. این موضوع به قدری واضح است که نیازی به توضیح بیشتری ندارد.

جامعه پیشرفته اقتصادی، خود نتیجه و نشانه دستیابی به نوعی نظم اخلاقی محکم و قابل اتکا است. اما این سخن به این معنا نیست که در جوامع صنعتی جدید، اخلاقیات بر تمام شئون زندگی حاکم شده و آن

ها را تبدیل به جوامع بی عیب و نقص کرده است. گمان نمی رود امروزه هیچ متفکری مدعی تاسیس جامعه آرمانی روی کره خاکی باشد. در اندیشه جدید که جوامع صنعتی پیشرفته محصول آن است، انسان موجودی است که انفعالات نفسانی (خواهش های نفسانی)، انگیزه اصلی رفتاری اوست و نه عقل. از این روبرو چارچوب این اندیشه، تحقق جامعه آرمانی یا بهشت روی زمین ممکن نیست. به نقل از کتاب «جامعه مدنی»، «آزادی، اقتصاد و سیاست»، نوشته موسی غنی نژاد - چاپ اول 1377 خواننده علاقه مند جهت آشنایی بیشتر با این بحث نظری، علاوه بر کتاب نام برده می تواند به کتاب «فریدریش فون هایک» تحت عنوان «قانون، قانون گذاری و آزادی» در سه جلد به زبان فارسی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد - انتشارات دنیای اقتصاد مراجعه نماید.

قسمت اول:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2016/12/2016-12-03_a.mp3]

قسمت دوم:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2016/12/2016-12-03_b.mp3]